

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در مینت پیرس نیوز
نویسنده: کیت کلارنبرگ
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۲ می ۲۰۲۵

دوری جستن ترمپ از اسرائیل: تغییری واقعی یا نمایشی سیاسی؟



تصویر: | دونالد ترمپ، رئیس‌جمهور، و بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر اسرائیل، در کاخ سفید، ۴ فبروری ۲۰۲۵

صحبت می‌کنند. الکس براندون | آسوشیتدپرس

هنگامی که دونالد ترمپ در نومبر ۲۰۲۴ دوباره به ریاست‌جمهوری انتخاب شد، این انتظار گسترده وجود داشت که حمله اسرائیل به غزه تشدید شود و دولت جدید نقش فعال‌تری در خنثی کردن دشمنان منطقه‌ای تل ابیب ایفا کند. نزدیکی بین بنیامین نتانیاو، بسیاری از اسرائیلی‌ها و ترمپ بخوبی شناخته شده است. همانطور که نشریه فارن پالیسی در اکتوبر ۲۰۲۴ اشاره کرد، «اسرائیل کشور ترمپ است و نخست‌وزیر آن، حامی شماره یک ترمپ است.» پیروزی ترمپ در اسرائیل، هم در سطح عمومی و هم در سطح دولتی، به طور گسترده جشن گرفته شد. تنها چند روز بعد، لئون پانتا، رئیس سابق سیا و وزیر دفاع، پیش‌بینی کرد که رئیس‌جمهور به نتانیاو «چک سفید» خواهد داد تا در سراسر خاورمیانه، حتی تا جنگ تمام‌عیار با ایران، هرج و مرج ایجاد کند. پس از روی کار آمدن در جنوری، رئیس‌جمهور برای از بین بردن چنین پیش‌بینی‌هایی کار زیادی نکرد—بلکه به عکس. در فبروری، ترمپ

طرح‌هایی را برای «غزه لاگو» تشریح کرد—جابه‌جائی کامل و اسکان اجباری جمعیت فلسطینی غزه و ایجاد چیزی به نام «ریویرای خاورمیانه» به جای آن.

در ماه مارچ، ترمپ خصومت‌ها را علیه انصارالله یمن از سر گرفت، پس از این که این گروه در پاسخ به نقض آشکار توافق آتش‌بس خود با حماس توسط اسرائیل، محاصره بحیره سرخ را از سر گرفت. مقامات امریکائی با کوبیدن یمن بسیار شدیدتر از آنچه بایدن انجام داده بود، به خود بالیدند که تلاش‌های هوائی و بحری علیه انصارالله «نامحدود» ادامه خواهد یافت. ترمپ همچنین ادعا کرد که «حملات بی‌امان» واشنگتن، مقاومت را از بین خواهد برد. با این حال، در اوایل ماه مه، ترمپ پس از موافقت با آتش‌بسی که طبق آن انصارالله هدف قرار دادن کشتی‌های امریکائی را متوقف می‌کرد در ازای آزادی عمل در جنگ خود علیه اسرائیل، پایان مأموریت را اعلام کرد.

تل ابیب ظاهراً از این معامله بی‌خبر بوده و از طریق گزارش‌های خبری از آن مطلع شده است. مایک هاکابی، سفیر امریکا در اسرائیل، در پاسخ به واکنش‌های شدید نسبت به این معامله اظهار داشت که امریکا «مجبور نیست از اسرائیل اجازه بگیرد» تا معامله‌ای انجام دهد.

هاکابی، یک مسیحی اونجلیست فوق محافظه‌کار و صهیونیست سرسخت که پس از نامزد شدن سوگند یاد کرده بود اسرائیل را با اصطلاحات کتاب مقدس مانند «سرزمین موعود» خطاب کند و بارها ادعا کرده که یهودیان «حق مالکیت قانونی» بر سرزمین‌های فلسطینی دارند، با این اظهارات ناظران را شگفت‌زده کرد. با این حال، به نظر می‌رسید که این اظهارات آغازگر تغییر جهت چشمگیری توسط دولت ترمپ بود، دولتی که، همانطور که مینت‌پرس نیوز قبلاً مستند کرده است، مملو از تندروهای طرفدار اسرائیل است.

از آن زمان، ترمپ سفری را به خاورمیانه آغاز کرده است که اسرائیل به وضوح از برنامه سفر او حذف شده است. در عوض، او به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس سفر کرده است. در همین حال، رئیس جمهور مذاکره برای آزادی آخرین گروگان زنده امریکائی در دست حماس را انجام داد و مذاکرات مستقیم صلح با این گروه مقاومت را برگزار کرد—در هر دو مورد بدون دخالت تل ابیب. شایعاتی وجود دارد که حماس ممکن است در ازای به رسمیت شناختن یک کشور فلسطینی توسط امریکا به خصومت‌ها پایان دهد، پیشنهادی که ترمپ ظاهراً به آن تمایل دارد.

مذاکرات با ایران بر سر یک توافق هسته‌ای جدید از زمان روی کار آمدن ترمپ در جریان بوده است. در ۱۵ می، به طور گسترده‌ای گزارش شد که دو طرف بالاخره در آستانه دستیابی به توافق هستند. یک بار دیگر، اسرائیل ظاهراً به طور کامل از این مذاکرات کنار گذاشته شده بود، و هر توافقی که حاصل شود، احتمالاً موضع جنگ‌طلبانه تل ابیب در قبال ایران را در نظر نخواهد گرفت. در یک سخنرانی قابل توجه در ریاض در ۱۳ می، ترمپ به نظر می‌رسید که از دهه‌ها سیاست امریکا در خاورمیانه عقب‌نشینی کرده است.

دولت‌های متوالی امریکا عادی‌سازی روابط بین تمامی کشورهای عربی و مسلمان—به ویژه عربستان سعودی—و اسرائیل را یک هدف بسیار مهم تلقی کرده‌اند، تا حدی که تضمین‌های دفاعی مستمر امریکا به ریاض را مشروط به به رسمیت شناختن تل ابیب کرده‌اند. با این حال، ترمپ صراحتاً این هدف را از اولویت خارج کرد و گفت که اگرچه امیدوار است سعودی‌ها سرانجام توافق‌نامه‌های ابراهیم را امضاء کنند، اما او درک می‌کند که وضعیت کنونی آن را غیرممکن می‌سازد و اضافه کرد: «شما آن را در زمان خود انجام خواهید داد.» او فقط یک بار به اسرائیل اشاره کرد.

واشنگتن سپس قراردادهای زیادی را با ریاض در بخش‌های مختلف امضاء کرد، از جمله بزرگترین توافقنامه دفاعی بین دو کشور، به ارزش تقریباً ۱۴۲ میلیارد دلار. در مجموع، یک رشته تحولات لرزه‌نگار بشدت نشان می‌دهد که دولت ترمپ در حال گسست از سیاست پیشین و شکست‌ناپذیر امریکا در حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل و خدمت به

منافع آن در تقریباً تمام جنبه‌ها است—ترتیبی که از زمان تأسیس این کشور در سال ۱۹۴۸ برقرار بوده است. اما آیا این گسست غیرقابل تصور قبلی واقعی است یا فقط برای نمایش؟

شکاف‌های ادعائی در روابط امریکا و اسرائیل چیز جدیدی نیست. در طول ریاست‌جمهوری بارک اوباما، گزارش‌های متعدد جریان اصلی نشان می‌داد که این رابطه «متشنج» است، به ویژه به دلیل اختلافات شخصی شدید بین رئیس‌جمهور وقت و نتانیاهو. به همین ترتیب، از ابتدای نسل‌کشی غزه، رسانه‌های خبری بزرگ به طور متناوب گزارش می‌دادند که جو بایدن «به طور خصوصی» از رفتار نتانیاهو عصبانی است. در همین حال، سخنگویان کاخ سفید و دموکرات‌های برجسته، از جمله الکساندریا اوکاسیو-کورتز، علناً اصرار داشتند که دولت متعهد به تأمین آتش‌بس است.

با این حال، در هر دو مورد، کمک‌های مالی و نظامی امریکا که برای ادامه حیات اسرائیل و محو مردم فلسطین ضروری است، بی‌وقفه ادامه یافت، اگر نگوئیم افزایش یافت. در اواخر اپریل، مایکل هرتزوغ، سفیر اسرائیل در واشنگتن که از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ خدمت کرده بود، با افتخار اعلام کرد که «دولت [بایدن] هرگز به ما مراجعه نکرد و نگفت: «همین الان آتش‌بس کنید.» هرگز این کار را نکرد.» به این ترتیب، تردید در مورد صداقت و ماهیت گسست ناگهانی دولت ترمپ از مسیر سنتی خود در حمایت از اسرائیل کاملاً بجا است.

جورجیو کافیرو، مدیر عامل Gulf State Analytics، به مینت‌پرس نیوز می‌گوید که ممکن است تغییر واقعی در سیاست خارجی امریکا در حال وقوع باشد که عمدتاً ناشی از عزم ترمپ برای مقابله با نفوذ رو به رشد جهانی چین، به ویژه در خاورمیانه است. این دستور کار است که در حال حاضر، واشنگتن را به سمت انجام «یک سیاست خارجی فزاینده دوستانه با کشورهای ثروتمند در شبه‌جزیره عربستان، به قیمت همسوئی تاریخی امریکا و اسرائیل» سوق می‌دهد. همانطور که کافیرو بیان کرد:

«ترمپ می‌خواهد عربستان سعودی، قطر، امارات و غیره را به نفوذ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک امریکا نزدیک‌تر کند، در حالی که تا حدی آنها را از چین دور کند. او احتمالاً در کند کردن شتاب روابط عربی-چینی در زمینه انرژی، سرمایه‌گذاری، تجارت، لجستیک، بازرگانی، هوش مصنوعی، دیجیتالی‌سازی و غیره موفقیت چندانی نخواهد داشت. اما در زمینه دفاع و امنیت، امریکا به تسلط خود ادامه خواهد داد و ترمپ روشن خواهد کرد که اینها از دیدگاه واشنگتن، «خطوط قرمز» غیرقابل عبور در رابطه خلیج [فارس] با چین هستند.»

معاملات تجاری و سرمایه‌گذاری بزرگ ترمپ با کشورهای حاشیه خلیج فارس بشدت در دستور کار «بازگرداندن عظمت به امریکا» و اسطوره‌سازی شخصی او به عنوان یک معامله‌گر در داخل و خارج از کشور نقش دارد. کافیرو می‌گوید که کشورهای حاشیه خلیج فارس «آماده معاملات سودآور» برای شرکت‌های امریکائی هستند و اضافه می‌کند که این توافق‌نامه‌ها مشاغل ایجاد کرده و «تصویری خوب» برای دولت در داخل کشور به ارمغان خواهند آورد.

فراس مداد، تحلیلگر ریسک‌های ژئوپلیتیک، موافق است که عوامل اقتصادی در تغییر مسیر کنونی ترمپ محوری هستند و تل ابیب را بیگانه می‌کنند. «ترمپ نیاز به فروش F-35 دارد. صنعت دفاعی امریکا به این وجوه نیاز دارد. فروش F-35 به ترکیه و شاید به عربستان سعودی... یک توافق جدید با ایران، یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی سعودی — همه اینها استخوان‌های اصلی اختلاف با اسرائیل خواهند بود.»

مداد گفت: «اگر مذاکرات هسته‌ای موفقیت‌آمیز باشد، ترمپ احتمالاً به دنبال باز کردن بازارهای ایران به روی شرکت‌های امریکائی نیز خواهد بود. اسرائیل نیز این را نمی‌خواهد. ترمپ به نتانیاهو نشان می‌دهد که اسرائیل چقدر به امریکا نیاز دارد، نه به عکس.»

صعود کشورهای حلیج [فارس] همزمان با کاهش نفوذ اسرائیل

سید محمد مرندی، تحلیلگر سیاسی مستقر در تهران و استاد دانشگاه تهران، به مینتپرس نیوز می‌گوید که «شکافی» بین امریکا و اسرائیل واقعاً وجود دارد، اما «گفتن این که چقدر مهم یا عمیق است، دشوار است». مرندی معتقد است که ساختار قدرت گسترده‌تر امریکا می‌داند که حمایت آن از آنچه او آن را «هولوکاست غزه» از اکتوبر ۲۰۲۳ می‌نامد – «یک نسل‌کشی ۲۴ ساعته تلویزیونی» – بشدت به وجهه بین‌المللی و قدرت نرم غرب آسیب رسانده است. او به مینتپرس نیوز گفت: «به طور پیش‌فرض، این امر قدرت نرم چین، ایران و روسیه را بشدت افزایش داده است. جنوب جهانی برای رهبری، جهت‌گیری و مشارکت به آنها نگاه می‌کند، نه به امریکا یا دست‌نشانده‌های اروپایی‌اش.»

مداد موافق است و اشاره می‌کند که در مارچ ۲۰۲۳، عربستان سعودی به طور غیرمنتظره‌ای با ایران «تحت نظارت چین، بدون مشورت معنی‌دار با واشنگتن» آشتی کرد. اکنون که کشورهای عربی و مسلمان، چین و روسیه را به عنوان شرکای اقتصادی و نظامی قابل دوام می‌بینند، احتمال تحقق «اتحاد چینی-اسلامی» ساموئل هانتینگتون، دانشمند علوم سیاسی، به طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود.

مداد به مینتپرس نیوز می‌گوید: «امریکایی‌ها هر کاری را انجام خواهند داد تا از افتادن کشورهای مسلمان غنی از منابع یا دارای توانائی نظامی به مدار بیجینگ جلوگیری کنند، حتی اگر به قیمت اسرائیل باشد». مرندی پتانسیل‌هایی را برای تغییر در روابط امریکا با منطقه می‌بیند و می‌گوید «فضائی برای پیشرفت وجود دارد» – هرچند چنین پیشرفتی فعلاً «محدود و صرفاً آینده‌نگر» است. او معتقد است که شکاف فعلی بین واشنگتن و تل ابیب عمدتاً به رهبری نتانیاو گره خورده است.

مرندی می‌گوید: «احتمال دارد که او برای حفظ و بازسازی وجهه بین‌المللی اسرائیل قربانی شود و سرزنش همه چیز از ۷ اکتوبر به طور کامل بر عهده او قرار گیرد. این مانند این است که هیتلر را به تنهایی مقصر جنگ جهانی دوم و هولوکاست بدانیم، به جای سیستمی که او رهبری می‌کرد و هر کسی که آن را ممکن ساخت.» مرندی در مورد وقوع شکاف گسترده‌تر بین امریکا و اسرائیل تردید دارد و می‌گوید که این رابطه «آنقدر اساسی است که بر اثر اتفاقات جاری به طور کامل از بین نخواهد رفت». مرندی خاطرنشان می‌کند: «لابی صهیونیست در امریکا همچنان بسیار قدرتمند است» و اضافه می‌کند که در حالی که اسرائیل «در سراسر جهان بی‌اعتبار شده و در سطح بین‌المللی مورد تنفر است، و مردم در سراسر غرب رژیم صهیونیستی را محکوم و از آن ابراز انزجار می‌کنند، اما این لابی همچنان نفوذ عظیمی بر سیاست داخلی و خارجی واشنگتن اعمال می‌کند.»

رویارویی آپیک با مقاومت کاخ سفید

مداد نیز درباره نفوذ لابی اسرائیل در واشنگتن توهمی ندارد. او انتظار دارد گروه‌های وابسته به آن — و بسیاری از قانون‌گذارانی که سخاوتمندانه از آنها حمایت مالی می‌کنند — بشدت در برابر تغییر مسیر ترمپ مقاومت کنند. او همچنین پیشنهاد می‌کند که دولت می‌تواند با مجبور کردن کمیته روابط عمومی امریکا و اسرائیل (آپیک) به ثبت نام به عنوان عامل خارجی، به این فشار پاسخ دهد. با توجه به نفوذ سیاسی آپیک، چنین اقدامی بی‌سابقه خواهد بود.

جان میرشایمر، دانشمند علوم سیاسی امریکا، آپیک را «یک عامل بالفعل برای یک دولت خارجی» با «خفه‌کننده کنگره» توصیف کرده است. در واقع، این سازمان قدرتمند لابی‌گری نرخ موفقیت نگران‌کننده‌ای در کمک به انتخاب حامیان سرسخت اسرائیل در کنگره و سنا دارد و بشدت برای برکناری هر کسی در کابینول هیل که با فلسطینیان ابراز

همبستگی می‌کند، تلاش می‌کند. این تلاش از ۷ اکتوبر به این سو شدت گرفته است و این سازمان آنقدر به مصونیت خود اطمینان دارد که آشکارا فعالیت‌های خود را تبلیغ می‌کند.

به عنوان مثال، آپیک یک گزارش سالانه منتشر می‌کند که «دستاوردها و سیاست‌های سیاسی» خود را برجسته می‌کند. گزارش سال ۲۰۲۲ این کمیته، از جمله موارد دیگر، به تأمین ۳.۳ میلیارد دلار «برای کمک‌های امنیتی به اسرائیل، بدون هیچ گونه شرط اضافی» و تأمین مالی «نامزدهای طرفدار اسرائیل» به مبلغ ۱۷.۵ میلیون دلار — بیشترین میزان در بین کمیته‌های اقدام سیاسی (PAC) امریکا — افتخار می‌کند. ۹۸ درصد از آن نامزدها پیروز شدند و ۱۳ رقیب طرفدار فلسطین را شکست دادند.

مقاومت کاخ سفید در برابر آپیک

ترمپ از نفوذ بیش از حد لابی اسرائیل بر امور داخلی و خارجی امریکا بی‌خبر نیست. همانطور که مرندی اشاره می‌کند، در ۱۵ جنوری، ترمپ ویدیویی از پروفیسور جفری ساکس را به اشتراک گذاشت که در آن او بنیامین نتانیاهو را مقصر حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ می‌داند — جنگی که ترمپ مدت‌هاست از آن انتقاد کرده است. نقش حیاتی که آپیک و متحدانش در ایجاد زمینه برای آن جنگ ایفا کردند، تا حد زیادی فراموش شده است.

این احتمالاً تا حدی ناشی از عملیات گسترده سازمان برای پاکسازی آنلاین اطلاعات است. در این عملیات، شواهدی که نشان می‌داد سازمان در ابتداء تشویق‌کننده حمله تمام‌عیار امریکا به عراق بوده، بتدریج حذف شد. به عنوان مثال، در دسمبر ۲۰۰۱، آپیک خلاصه‌ای برای قانون‌گذاران امریکائی منتشر کرد که در آن صدام حسین را به ایجاد «تهدیدی بزرگ» در خاورمیانه، برای منافع امریکا در منطقه و «امنیت اسرائیل» متهم می‌کرد. در این خلاصه ادعا شده بود که صدام حسین در حال تولید سلاح‌های کشتار جمعی و پناه دادن به سازمان‌های تروریستی است. هر دو ادعا دروغ بودند و مبنای پرونده واشنگتن برای حمله را تشکیل می‌دادند. آپیک بعداً این خلاصه را از وبسایت خود حذف کرد. در سال ۲۰۱۵، سخنگوی کمیته به نیویورک تایمز گفت که «آپیک هیچ موضعی در مورد جنگ عراق نگرفته است.» اواخر همان سال، رابرت ا. کوهن، رئیس آپیک، حتی فراتر رفت و ادعا کرد که «قبل از شروع جنگ عراق در مارچ ۲۰۰۳، آپیک هیچ موضعی نداشت و ما در این مورد لابی نکردیم.»

امروزه، اسرائیل و شبکه لابی‌گری آن در حال فشار برای یک درگیری بزرگ دیگر در خاورمیانه هستند — این بار با ایران. در ماه اپریل، نیویورک تایمز، با استناد به گزارش‌های بی‌نام، فاش کرد که تل ابیب برنامه‌های دقیق برای حمله به جمهوری اسلامی را تهیه کرده بود که نیازمند حمایت امریکا بود — برنامه‌هایی که گزارش شده ترمپ آنها را رد کرده است. مقامات اسرائیلی از این افشاگری خشمگین بودند و یکی از آنها آن را «یکی از خطرناک‌ترین افشاگری‌ها در تاریخ اسرائیل» خواند.

در حالی که تل ابیب ظاهراً هنوز در حال برنامه‌ریزی برای «حمله‌ای محدود» به ایران است، گزارش نیویورک تایمز پیامی بدون ابهام به نتانیاهو و دولت او فرستاد که دولت ترمپ تحت هیچ شرایطی از چنین اقدامی حمایت نخواهد کرد. مخالفت با جنگ‌طلبی در قبال تهران به خودی خود یک چرخش کاملاً فوق‌العاده برای ترمپ و کابینه او است، با توجه به لفاظی‌ها و مواضع گذشته آنها. حتی قبل از روی کار آمدن، گزارش شده بود که دولت در حال برنامه‌ریزی برای «ورشکستگی ایران» با «فشار حداکثری» است.

تغییر مسیر ترمپ و اهداف آن

وزیر امور خارجه مارکو روبيو، که مدت‌ها خواستار تشديد تحریم‌های ویرانگر علیه تهران بود، در خط مقدم این فشار قرار داشت. او با شور و شوق توسط مایک والتز، مشاور امنیت ملی، که یک کهنه‌کار پنتاگون و قبلاً عضو کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان بود، حمایت می‌شد. در رویدادی که توسط «آتلانتیک کانسیل»، وابسته به ناتو، در اکتوبر ۲۰۲۴ برگزار شد، والتز از این که ترمپ قبلاً تقریباً ارز جمهوری اسلامی را نابود کرده بود، لاف زد و به دنبال اعمال مجازات‌های بدتر پس از آغاز به کار رئیس‌جمهور بود.

با این حال، پیشرفت گزارش شده در مذاکرات هسته‌ای بین آمریکا و ایران امروز نشان می‌دهد که ترمپ و تیمش نه تنها این جاه‌طلبی‌ها را کنار گذاشته‌اند، بلکه مصمم به اجتناب از جنگ هستند. کافیر و معتقد است که این هدف یکی از ملاحظات کلیدی ژئوپلیتیک است که مسیر کنونی رئیس‌جمهور را در خاورمیانه هدایت می‌کند. او خاطرنشان می‌کند که چنین درگیری ناگزیر «آشفته، خونین و پرهزینه» خواهد بود و معتقد است که عزم نتانیاهو برای «کشاندن آمریکا به جنگ» به این معنی است که ترمپ اکنون اسرائیل را یک بار واقعی می‌بیند.

ترمپ غرب آسیا را منطقه‌ای می‌بیند که آمریکا به طور تاریخی در آن گرفتار شده است و او معتقد است که واشنگتن دیگر نباید بیش از حد در آنجا درگیر شود – دیگر باتلاق‌های پرهزینه و تحقیرآمیز وجود نخواهد داشت که منابع و توجه را از سایر نقاط جهان منحرف کند، جایی که چین در حال دستیابی به دستاوردهای بزرگ اقتصادی و ژئوپلیتیک است. سلطنت‌های خلیج فارس منبع ثبات منطقه‌ای هستند – آنها پل‌ها و واسطه‌های دیپلماتیک هستند که بحث و مذاکره را تسهیل می‌کنند و به پایان دادن به درگیری‌های محلی و بین‌المللی، یا حداقل دخالت آمریکا در آنها کمک می‌کنند.

یک درگیری پرهزینه و تحقیرآمیز با ایران، که آمریکا را درگیر خود کند، قطعاً اتفاق خواهد افتاد. حتی اگر اسرائیل به تنهایی جرأت حمله به تهران را داشته باشد، واشنگتن به احتمال زیاد با عواقب نامطلوبی روبه‌رو خواهد شد. به عنوان مثال، گزارشی در سپتامبر ۲۰۲۴ از سوی «Jewish Institute for National Security of America» (JINSA) – یک گروه لابی قدرتمند و محرمانه – به تفصیل بیان کرد که راکت‌های بالستیک و مافوق صوت ایران می‌توانند ظرف «پنج دقیقه یا کمتر» به اکثر پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه برسند و آنها را نابود کنند.

آیا حمایت آمریکا از اسرائیل در حال پایان است؟

ترس از چنین احتمالی و ناتوانی مکرر و اثبات شده امپراتوری در پیروزی بر انصارالله یمن، قطعاً پشت سر تلاش مصمم ترمپ برای صلح با ایران قرار دارد. حتی اگر به حاشیه راندن فعلی تل ابیب توسط دولت به نفع کشورهای حاشیه خلیج فارس موقتی و صرفاً از روی مصلحت باشد، با توجه به شرایط ژئوپلیتیک کنونی، هرگز در تاریخ اسرائیل آرزوها و خواسته‌های رهبرانش اینقدر آشکارا و هماهنگ در راهروهای قدرت آمریکا نادیده گرفته یا مستقیماً نقض نشده است.

اگر این دوره پرفراز و نشیب صرفاً یک اتفاق گذرا در روابط آمریکا و اسرائیل باشد، حداقل این رویداد به وضوح نشان می‌دهد که واشنگتن آنقدر که رهبران اسرائیل و لابی بین‌المللی اسرائیل دوست دارند فکر کنند، به اسرائیل وابسته نیست. با افزایش نفوذ چین و دنیای چندقطبی تازه شکل‌گرفته که به جایی نمی‌رسد، رهبران آمریکا ممکن است دو بار فکر کنند که آیا باید تا این حد به خواسته‌های تل ابیب، طرح‌های آن برای توسعه ارضی بی‌پایان و جنگ‌های همیشگی آن علیه همسایگانش به نام «امنیت» تمکین کنند.

کیت کلارنبرگ، یک روزنامه‌نگار تحقیقاتی و همکار مینت‌پرس نیوز است که نقش سرویس‌های اطلاعاتی در شکل‌دهی سیاست‌ها و برداشت‌ها را بررسی می‌کند. آثار او قبلاً در ««Declassified UK ،The Cradle»» و «Grayzone» منتشر شده است. او را در توئیتر دنبال کنید: @KitKlarenberg.